



درباره‌ی عقلانیت نقاد

پیرامون ردیافتے تازه به فلسفہی تحلیلے

آئینہ

طور گسترده به ارزش پیشینی یک نظریه بستگی دارد. پاپر، بر مبنای عقلانیت انتقادی نگاه خوشبینانه‌ای رانسیب به قابلیت انسان برای بهبود دادن خودش در حل مسائل حفظ می‌کند. بنابراین عقلانیت نقاد، لازمه‌ی منطقی نظریه‌ی ابطال‌گرایی پاپر است؛ چرا که بر مبنای این نظریه، دیگر نمی‌توان از صدق و کذب قطعی نظریه‌ها سخن گفت، بلکه تنها می‌توان بر اساس قدرت یک نظریه در توجیه شواهد بیشتر تجربی از دوری و نزدیکی آن نسبت به حقیقت سخن گفت. عقلانیت نقاد پوپر توسط شاگردان همان مکتب بسط و گسترش یافته است و امروزه با نمایندگان گانی چون آلن ماسگریو، دیوید میلر، استفانو گته‌ای، جان و ترستن و جرمی شرورم شناخته می‌شود.

همان‌طور که در متن مقاله نیز بر آن تأکید شده است، این نظریه در مقابل واقع‌گرایی و شکاکیت قرار دارد. چرا که شکاکیت به طور کلی امکان شناخت واقع را منتفی دانسته و واقع‌گرایی به گونه‌ای خام از انطباق و عدم انطباق شناخت انسان با واقع سخن می‌گوید؛ ولی عقلانیت انتقادی به تقرب یا عدم تقرب یک نظریه به حقیقت قائل است. ولی به نظر می‌رسد این نظریه همچنان بازگشت به همان قول شکاکانه باشد، چه آنکه یک نظریه با واقع منطبق بوده و صادق است و یا آنکه با واقع منطبق نبوده و کاذب است. البته شاید در این میان مغالطه‌ای رخ داده باشد و مقصود از تقرب به حقیقت در عقلانیت انتقادی نه یک گزاره که مجموعه‌ای از گزاره‌ها باشد؛ در این صورت بر اساس تعداد گزاره‌های صادق یک نظریه و پیشینی و کمی آن نسبت به یک نظریه‌ی دیگر می‌توان از قرب و بعد آن نظریه نسبت به نظریه‌ی دیگر به حقیقت سخن گفت. از این رو مدعای عقلانیت انتقادی تفاوت چندانی با واقع‌گرایی ندارد، چه آنکه واقع‌گرایی از صدق و کذب تک تک گزاره‌ها سخن می‌گوید و نه مجموعه‌ای از گزاره‌ها.

از سوی دیگر باید به این نکته اشاره کرد که گرچه عقلانیت انتقادی به عنوان رویکردی در حوزه‌ی فلسفه‌ی علم و معرفت‌شناسی در دوره‌ای از ادوار فلسفه‌ی تحلیلی اهمیت فراوانی یافت، ولی دیگر نمی‌توان با قطعیت از اهمیت آن در مباحث روز فلسفه‌ی تحلیلی سخن گفت.^۴

۱- دکتر علی پایا سال‌هاست که در زمینه‌ی فلسفه‌ی تحلیلی، علم و معرفت‌شناسی فعالیت می‌کند. یکی از مهم‌ترین زمینه‌های پایا طی سالیان اخیر عقلانیت نقاد (Critical Rationality) بوده است. یادآور می‌شود که عقلانیت نقاد، ره‌یافت متأخر کارل ریموند پوپر فیلسوف تحلیلی علم در زمینه‌ی معرفت‌شناسی است که پس از او توسط شاگردان همان مکتب بسط و گسترش یافته است و امروزه با نمایندگان گانی چون جوزف آگاسی، دیوید میلر، ایان جاروی، جان و ترستن، جرمی شسی برمر و علی پایا محصل مباحثات و مناظرات پرشوری پیرامون موضوعات معرفت‌شناختی و فلسفی شده است. نکته‌ی بسیار مهم در مورد عقلانیت نقاد آنکه ره‌یافتی است که صرفاً در چارچوب نگرش متعارف فلسفه‌ی تحلیلی باقی نمی‌ماند و از این جهت محل تلاقی خوبی برای فلسفه‌های تحلیلی و غیر تحلیلی است. طرفداران عقلانیت نقاد معتقدند که با این رویکرد، معیار مناسبی برای نقد و واکاوی سایر نحله‌های فلسفی، مابعدالطبیعی و اصولاً معرفت در اختیار دارند. در این میان علی پایا با تکیه بر عقلانیت نقاد مدتی است که توجه ویژه‌ای را بر علوم اجتماعی و انسانی معطوف داشته است. در نوشتار پیش رو پایا با ارائه‌ی مثال‌هایی از معرفت‌شناسی، اقتصاد، وقایع روز و امور اجتماعی و تربیتی سعی در به‌کارگیری معیارهای عقلانیت در حوزه‌های وسیعی دارد تا ضمن نشان دادن گستردگی و شمول این ره‌یافت، برخی کژفهمی‌ها در گفتار و افکار روزمره و غیر روزمره‌مان را نشان دهد. متن پیش رو نمونه‌ای از ادبیات تحلیلی است که با رویکرد عقلانیت نقاد در صدد ورود به مباحث معرفت‌شناختی و علوم اجتماعی است.^۲

۲- قدمت بحث عقلانیت انتقادی که از بحث‌های کارل ریموند پاپر فیلسوف تأثیرگذار علم معاصر می‌باشد، به حدود پنجاه سال پیش بازمی‌گردد. به طوری که در سال ۱۹۶۱ میلادی معرفت‌شناختی میان عقلانیت انتقادی او و مکتب فرانکفورت در کنفرانس «جامعه‌شناسی آلمانی» در هایدلبرگ رخ داده است. در تئود پاپر صدق به عنوان تخمینی از صدق فهمیده می‌شود، و معیار نهایی برای ارزیابی پسینی نظریات بر مبنای محک آزمون‌های تجربی است. البته در بستر معرفت‌شناختی عقلانیت انتقادی، هر ارزیابی پسینی به

به خواست خدا این رویکرد را هم به خوانندگان ایرانی و هم به شماری از مخاطبان در سطح بین‌المللی بهتر بشناساند. کارگاهی که پیش‌تر اشاره شد، یکی از تعبیه‌ها برای این منظور است. در این کارگاه‌ها معمولاً برای آنکه مطلب بهتر و جدانی شود، جلسه را با طرح چند پرسش آغاز می‌کنم. پرسش‌ها، که به صورت گزینه‌های دوجوابی تنظیم شده‌اند از جمله چنین‌اند:

- بهترین شیوه برای حمایت از یک مدعا/موجه‌سازی آن عبارت است از فراهم آوردن شمار هر چه بیشتری بینه‌های تأییدکننده^۵ در باره‌ی آن. درست غلط

- هر چه شمار بینه‌های حمایت‌گر/تأییدکننده^۹ بیشتر، درجه‌ی صدق مدعا بالاتر. درست غلط

- در قلمرو تکاپوهای معرفتی، هدف اصلی از طرح یک مدعا

عقلانیت نقاد^۴، رویکردی متمایز در فلسفه‌ی تحلیلی به شمار می‌آید. از دیدگاه این رویکرد، که با رویکردهای زبانی در سنت تحلیلی به کلی تفاوت دارد، هر چند تحلیل از اهمیت فراوان برخوردار است، اما هدف اصلی تکاپوی فلسفی صرفاً تحلیل نیست.^۵ هدف اصلی عقلانیت نقاد، رشد معرفت از ره‌گذر تکاپوی نقادانه است.^۶

در آغاز هر سال تحصیلی برای دانشجویانم کارگاهی برگزار می‌کنم با عنوان «طرح مدعا و حمایت از آن»؛^۷ این موضوع روزنه‌ای است برای مطرح ساختن برخی توضیحات کلی درباره‌ی برخی جنبه‌های رویکرد موسوم به عقلانیت نقاد. این رویکرد در کشور ما، جز نزد شماری معدود، چندان شناخته نیست. در مغرب زمین نیز، غوغای ره‌یافت‌های رقیب، چندان اجازه نمی‌دهد آموزه‌های این رویکرد به جویندگان معرفت، عرضه شود. نگارنده اما عزم آن دارد که

یا ارائه‌ی یک استدلال عبارت است از قانع ساختن/متقاعد کردن مخاطبان در خصوص موضوع مورد اشاره در مدعا/استدلال.

درست □ غلط □

معرفت عبارت است از دعوی/باور موجهی که موجه و صادق است، یعنی یا بدیهی است و یا آنکه شمار زیادی بینه در حمایت/تأیید آن موجود است. درست □ غلط □

آنچه در ذیل می‌آید توضیح صحیحی از فرایند کسب معرفت درباره‌ی یکی از جنبه‌های واقعیت است:

نخست: شخص شمار محدودی از امور واقع^۱ را مشاهده/وارسی می‌کند؛ سپس: شخص یک دعوی/فرضیه‌ی کلی درباره‌ی امور مشاهده‌شده/وارسی شده ارائه می‌کند؛

نهایتاً: شخص دعوی/فرضیه پیشنهادشده را مورد آزمون قرار می‌دهد. اگر دعوی/فرضیه تأیید شد، به منزله‌ی بخشی از معرفت در مورد امور واقع مشاهده‌شده پذیرفته می‌شود.

درست □ غلط □

پس از طرح این پرسش‌ها از دانشجویان سؤال می‌شود که چند نفر از آنان عمدتاً گزینه‌ی «درست» را در پاسخ به پرسش‌ها برگزیده‌اند. به آنان که چنین کرده‌اند باید «تسلیم» (!) گفت؛ زیرا پاسخ همه‌ی پرسش‌های فوق از منظر عقلانیت نقاد، گزینه‌ی دوم یعنی «غلط» است! در مرحله‌ی بعد از دانشجویان خواسته می‌شود تا مشخص سازند کدام یک از عبارات ذیل یک «دعوی» است:

«چه هوای لطیفی!!»

«خواست را جمع کن!!»

«آیا اقتصاد متکی به بازار آزاد با عدالت اجتماعی سازگار است؟»

«در تداوم آن‌چه که «بهار عربی» نام گرفته است احتمال زیادی وجود دارد که در آینده‌ی نزدیک مردم‌سالاری در کشورهای عرب رواج یابد، اما در عین حال نباید از نظر دور کرد که چون بسیاری از زیرساخت‌های ضروری برای تأسیس یک نظام مردم‌سالاری اصیل در این کشورها موجود نیست، این احتمال نیز کاملاً وجود دارد که مردم‌سالاری تا سال‌های سال در این کشورها ظهور نیابد!»

«موفقیت در تحصیل در پرتو سخت‌کوشی و نظم حاصل می‌شود.»

به دانشجویان توضیح داده می‌شود که دعوی در قالب گزاره‌ها^{۱/} قضایا^۲ یا استدلال‌ها (که خود ترکیب خاصی از دعاویند) ارائه می‌شوند. همچنین درباره‌ی دعوی تهبی از محتوا، که «گردگویی»^۳ نامیده می‌شوند (هر چند که ظاهراً اطلاع‌بخش نمایند)، نظیر مطلبی که در بالا درباره‌ی «بهار عربی» ذکر شده است، و دعوی اصیل، که «محتمل الصدق و الکذب» هستند، توضیح داده می‌شود.

آن‌گاه از دانشجویان سؤال می‌شود که مشخص سازند هدف از طرح دعوی چیست؟ دو گزینه پیشنهاد می‌شود:

گزینه ۱- بیان یک امر واقع / اظهار یک خبر صادق / افزودن بر ذخیره‌ی معرفتی آدمیان

گزینه ۲- قانع ساختن / متقاعد کردن / فریفتن / تحمیق مخاطبان

توضیح داده می‌شود که هر دو گزینه صحیح است. دعوی هر دو کارکردی را که در گزینه‌ها ذکر شده است واجدند. اما معمولاً دو گروه متفاوت از این گزینه‌ها بهره می‌گیرند. گزینه‌ی نخست عمدتاً به وسیله‌ی محققان و دانشمندان، فیلسوفان و جویندگان حقیقت مورد استفاده قرار می‌گیرد. در حالی که گزینه‌ی دوم بیشتر مورد استفاده‌ی سیاست‌مداران، وکلا، برخی از اصحاب رسانه و ... است.

دعوی در کارکرد نخست خود با واقعیت عینی سروکار دارند و در کارکرد دوم با جنبه‌های ذهنی و روانی مخاطبان.

سپس از دانشجویان سؤال می‌شود که دعوی‌ای که به وسیله‌ی صاحبان بصیرت‌های خاص نظیر پیامبران و یا اصلاح‌گران مطرح می‌شود واجد کدام یک از دو کارکرد بالاست؟

به دنبال توضیحاتی که درباره‌ی «مدعا» ذکر شد، درباره‌ی مفهوم «حمایت» نیز توضیح مختصری داده می‌شود و به این نکته اشاره می‌شود که نظری که هر کنش‌گر در قبال مفهوم «حمایت» و مفاهیم معادل آن نظیر «موجه ساختن»^۴، «تأیید کردن»^۵، «مشروعیت بخشیدن»^۶، «جواز دادن»^۷، «استوار و پابرجا کردن»^۸، «درجه‌ی احتمال را افزایش دادن»^۹ و ... اتخاذ می‌کند با نظریه‌ی معرفت وی ارتباط مستقیم دارد.

می‌توان به یک اعتبار سه نظریه‌ی کلی درباره‌ی معرفت را از هم تفکیک کرد: نظریه‌های متکی به موجه‌سازی^{۱۰}، خانوادگی نظریه‌های شک‌گرایانه^{۱۱} و نظریه‌ی عقلانیت نقاد^{۱۲}.

نظریه‌های شک‌گرایانه، منکر امکان کسب معرفت‌اند.

مقصود از موجه‌سازی (در اشکال متنوع و مختلفی که به خود می‌گیرد) آن است که یک مدعا به نحو قطعی و بی‌آنکه بتوان هیچ خدشه‌ای بدان وارد آورد به کرسی نشسته و تثبیت شده است.

موجه‌سازی به شیوه‌های مختلف به انجام می‌رسد، از آن جمله با اتکا به قول حجت، یا با توسل به شهود، یا با استفاده از قضایای «بدیهی»، یا با انباشت بینه‌ها و شواهد مثبت، یا با ارجاع به اجماع قوم و نظایر آن.

موجه‌سازی معمولاً (به‌خصوص در گذشته) امانه‌لوما (به‌خصوص از میانه‌ی قرن بیستم به این سو) با قول به وجود مبانی و بنیادهای تردیدناپذیر و لایتغیر^{۱۳} برای دعوی معرفتی همراه بوده است. موجه‌سازها عموماً به رهیافت موسوم به «اصالت استقراء»^{۱۴} گرایش دارند. بر اساس این رهیافت، می‌توان به معرفت «موجه» از طریق بهره‌گیری از شیوه‌ی استدلال «استقرایی» دست یافت. این شیوه‌ی استدلال در آخرین پرسش، از پرسش‌های پنج‌گانه‌ای که در ابتدای این بحث مطرح شده، نمونه شده است.

موجه‌سازان عموماً از بینه‌های مثبت یا حمایت‌کننده (که ارتباطی وثیق با شیوه‌ی استدلال استقرایی دارد) برای تثبیت دعوی خود بهره می‌گیرند: هزاران بار طلوع خورشید از مشرق موجه‌کننده‌ی این مدعاست که فرداً نیز خورشید از مشرق سر بر می‌آورد.

عقل‌گرایان نقاد، هم با شکاکان افراطی و هم با موجه‌سازان (در همه‌ی انواع آن) مخالفند. اینان توضیح می‌دهند که «موجه‌سازی» ناممکن است؛ موجه‌سازی به تسلسل منجر می‌شود: هر آن‌چه به عنوان وجه موجه‌کننده‌ی یک مدعا پیشنهاد شود خود نیاز به موجه‌شدن دارد. تکیه به بنیاد قطعی و یقینی نیز سخت «بی‌بنیاد» است. از یک سو هر «بنیاد» نیازمند «موجه شدن» است. اما این دومی خود گرفتار مشکل است. از سوی دیگر، «قطع و یقین» به قلمرو روان‌شناسی فردی تعلق دارند و مقولات معرفت‌شناسانه نیستند.

عقل‌گرایان نقاد همچنین توضیح می‌دهند که استقراء نیز صورت استدلالی معتبری به شمار نمی‌آید: جهش از شماری معدود از بینه‌های موجود، به شمار نامتناهی از آن‌ها در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها و سرایت دادن حکم این گروه معدود به آن مجموعه‌ی نامحدود از حیث شمار اعضا، جهشی غیرعقلانی است و از این رو معرفت‌بخش نتواند بود.

عقل‌گرایی نقاد یک شیوه‌ی زیست است که واجد وجوه معرفتی و اخلاقی برجسته‌ای است. برخی از مهم‌ترین آموزه‌های این شیوه‌ی

دو نگاه

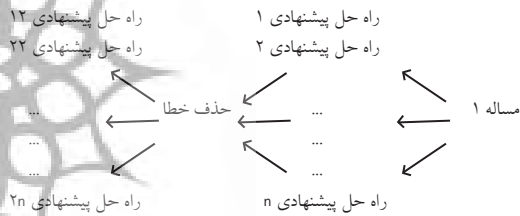
عقل‌گرایان نقاد، هم با شکاکان افراطی و هم با موجه‌سازان (در همه‌ی انواع آن) مخالفند. اینان توضیح می‌دهند که «موجه‌سازی» ناممکن است؛ موجه‌سازی به تسلسل منجر می‌شود: هر آن‌چه به عنوان وجه موجه‌کننده‌ی یک مدعا پیشنهاد شود خود نیاز به موجه‌شدن دارد. تکیه به بنیاد قطعی و یقینی نیز سخت «بی‌بنیاد» است

نرفتند و از آن سربلند بیرون آمدند، گزاره‌های «تقویت‌شده» به شمار می‌آیند. گزاره‌های «تقویت‌شده» تا زمانی که به جهت ارائه‌ی گزاره‌هایی بدیل و پرمحتواتر و یا نقدهایی ابطال‌گر از صحنه بیرون نرفته‌اند، به صورت موقت در زمره‌ی ذخیره‌ی معرفتی آدمیان به شمار آورده می‌شوند. ■

پی‌نوشت:

- ۱- عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور (ایران)، مدرسه‌ی علوم اجتماعی، انسانی و زبان‌ها، دانشگاه وستمنستر (انگلستان).
- ۲- این توضیحات توسط رضا علیزاده ممقانی، دانشجوی دکتری فلسفه‌ی علم، نوشته شده است.
- ۳- این توضیحات توسط یکی از دانشجویان دکتری فلسفه‌ی غرب دانشگاه تهران، نوشته شده است.
- ۴- Critical Rationalism
- ۵- این نکته در گفت‌وگویی مکتوب با پروفسور دیوید میلر که یکی از برجسته‌ترین نمایندگان عقلانیت نقاد به شمار می‌آید مطرح شد. گفت‌وگوهای مکتوب نگارنده با پروفسور میلر در سال‌های اخیر حجم معتابایی یافته است و صاحب این قلم امیدوار است بتواند در آینده نه چندان دور این گفت‌وگوها را برای استفاده‌ی علاقه‌مندان بحث‌های فلسفی منتشر سازد.
- ۶- در ویراست جدید و بسط‌یافته‌ی مجلد نخست فلسفه‌ی تحلیلی با عنوان «فلسفه‌ی تحلیلی: مسائل و چشم‌اندازها» و نیز مجلد دوم آن با عنوان «فلسفه‌ی تحلیلی مسائل: چشم‌اندازها و کارکردها» که هر دو به وسیله‌ی نشر طرح نو آماده‌ی چاپ شده است، در خصوص تحولات تازه‌ی فلسفه‌ی تحلیلی و جایگاه رویکرد عقلانیت نقاد در آن به تفصیل توضیح داده‌ام.
- ۷- Making a claim and supporting it
- ۸- Confirming/verifying evidence
- ۹- Supporting/confirming evidence
- ۱۰- Facts
- ۱۱- Statements
- ۱۲- Proposition
- ۱۳- Truthism
- ۱۴- Justification
- ۱۵- Confirmation/verification
- ۱۶- Legitimation
- ۱۷- Warrant
- ۱۸- Substantiation
- ۱۹- Increasing the degree of probability
- ۲۰- Justificationism
- ۲۱- Scepticism
- ۲۲- Critical rationalism
- ۲۳- Foundationalism
- ۲۴- Inductivism
- ۲۵- برای بحث تفصیلی‌تر درباره‌ی عقل‌گرایی نقاد بنگرید به دو مجله‌ی فلسفه‌ی تحلیلی که در بالا ذکر شد و نیز دو کتاب ذیل از پروفسور میلر:
Open Court, David Miller, Critical Rationalism: A Restatement and Defence, ۱۹۹۴.
Ashgate, David Miller, Out of Error, ۲۰۰۶
- این هر دو مجلد به وسیله‌ی نگارنده و با موافقت پروفسور میلر در دست ترجمه به فارسی است و به خواست خدا به زودی در اختیار خوانندگان فارسی‌زبان قرار خواهد گرفت.
- ۲۶- conjecture

زیست و سلوک به اختصار هر چه تمام‌تر در ذیل آمده است.^{۲۵} واقعیتی مستقل از برساخته‌های ذهنی و زبانی و قراردادهای میان آدمیان موجود است؛ شناخت این واقعیت، علی‌رغم نامتناهی بودن وجوه و جنبه‌های آن و محدود بودن توانایی‌های ادراکی آدمیان، علی‌الاصول امکان‌پذیر است؛ معرفت درباره‌ی هر جنبه از واقعیت، امری عینی است و همواره در قالب گزاره‌هایی که بیان‌گر حدس و گمانه‌ای^{۲۶} درباره‌ی جنبه‌ی مورد نظر است، بیان می‌شود؛ هر گمانه، محصول مواجهه‌ی با «مسئله‌ای» در ارتباط با جنبه یا جنبه‌هایی از واقعیت است؛ گمانه‌هایی برای توضیح و تبیین و معنابخشی به واقعیت در ارتباط با مسئله‌ای که برای کنش‌گر مطرح ساخته است، برساخته می‌شوند؛ در تکاپو برای کسب معرفت درباره‌ی واقعیت، آن‌چه اهمیت دارد، «معرفت به خودی خود» نیست بلکه «رشد معرفت» است؛ معرفت از طریق انباشت بینه‌های مؤید یا مثبت یا حمایت‌کننده رشد نمی‌کند؛ رشد معرفت صرفاً از ره‌گذر کوشش برای حذف خطا در گمانه‌های پیشنهادی است؛ گزاره‌هایی که درباره‌ی واقعیت ارائه می‌شوند، می‌توانند واجدشان متافیزیکی یا علمی باشند. در صورت نخست آزمودن (یعنی نقادی) آن‌ها با استفاده از رویه‌های تحلیلی/نظری امکان‌پذیر است و در صورت دوم علاوه بر رویه‌های تحلیلی از رویه‌های تجربی نیز می‌توان و باید در آزمودن (یعنی نقادی) این گزاره‌ها و حذف خطاهایی که احیاناً در آن‌ها راه یافته است، بهره گرفت؛ الگوی ذیل، شیوه‌ی پیشنهادی عقل‌گرایان نقاد برای کمک به رشد معرفت است:



انباشت هزاران هزار بینه‌ی مؤید، کمترین تغییری در موقعیت «گمانه‌ای و حدسی بودن» راه‌حل‌های پیشنهادی برای «مسائل» نمی‌دهد. هر چند احیاناً بر میزان «اطمینان قلبی» کنش‌گر می‌افزاید. اما اطمینان قلبی، مقوله‌ای روانی است نه معرفتی. حذف خطا با استفاده از دو شیوه‌ی استدلال امکان‌پذیر است: نفی تالی در قیاس اقترانی و برهان خلف. عقل‌گرایان نقاد در نقد رویکرد شکاکان افراطی نیز توضیح می‌دهند که بر خلاف مدعای آنان، دست‌یابی به معرفت درباره‌ی واقعیت، غیرممکن نیست. این معرفت همچنان که همواره در قالب گزاره‌های بیان‌گر حدس و گمانه‌ی ما دربارهِی و وجهی از وجوه واقعیت بازگو می‌شود، اما حذف خطا این امکان را پدید می‌آورد که بر خلاف شکاک افراطی، که اساساً هر نوع شناخت واقعیت را ناممکن تلقی می‌کند، بتوان گام به گام به شناخت واقعیت نزدیک‌تر شد. در این مسیر، چنان‌که اشاره شد فراهم آوردن بینه‌های مثبت کمک‌کار نیست. برای همه‌ی گزاره‌های «گردگویانه» می‌توان خروارهای بینه‌ی مثبت فراهم کرد. اما این گزاره‌ها هیچ شناختی از واقعیت ارائه نمی‌دهند.

از دیدگاه عقل‌گرایی نقاد آن دسته از حدس‌ها و گمانه‌هایی که در معرض سخت‌ترین آزمون‌های نظری (تحلیلی) و عملی (تجربی) قرار گرفته‌اند اگر در برابر آزمون‌های نقدکننده، از میدان به در

دو نگاه

- از دیدگاه عقل‌گرایی نقاد آن دسته از حدس‌ها و گمانه‌هایی که در معرض سخت‌ترین آزمون‌های نظری (تحلیلی) و عملی (تجربی) قرار گرفته‌اند اگر در برابر آزمون‌های نقدکننده، از میدان به در نرفتند و از آن سربلند بیرون آمدند، گزاره‌های «تقویت‌شده» به شمار می‌آیند